

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیست و چهارم، شماره نود و چهارم

تابستان ۱۴۰۲

شرکت‌های تجاری فارس در دوره قاجار و چالش‌های داخلی و خارجی آن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۴

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۷/۲۷

محمدعلی رنجبر^۱
فاطمه بینشی‌فر^۲

تأسیس شرکت‌های تجاری در دوره قاجار (۱۲۱۰-۱۳۴۴ق)، از منظر صاحبان آنها، تنها یک اقدام اقتصادی به شمار نمی‌رفت؛ بلکه در شرایط سده نوزدهم میلادی که تجار ایرانی در رویارویی با انحصار تجاری شرکت‌های اروپایی بودند، اهداف گسترده سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی را دنبال می‌کرد. مهم‌ترین این شرکت‌ها، تجارتخانه جمشیدیان بود که شعبه‌هایی از آن، در بوشهر و شیراز در زمینه صرافی فعالیت داشت. علاوه بر تجارتخانه جمشیدیان، تجارتخانه‌های دیگری نیز در ایالت فارس بودند که در زمینه خرید و فروش ارز فعالیت داشتند. کمپانی تجارتهای ایران، کمپانی تجار بوشهر و کمپانی محمدرضا کازرونی و پسران، از جمله شرکت‌های فعال در فارس بودند. کمپانی تجارت فارس (کمپانی مملکت فارس) نیز

۱. دانشیار بخش تاریخ دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) (ranjbar@shirazu.ac.ir).

۲. دانشجوی دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه شیراز (f_bineshi@yahoo.com).

در شیراز با مدیریت عبدالرحیم شیرازی تأسیس شد. معرفی این شرکت‌ها و تبیین چالش‌های داخلی و خارجی آنها در هنگام تأسیس و فعالیت، مسئله‌ای است که مقاله حاضر با رویکرد وصفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع دست‌اول، در پی تبیین آن است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کارشکنی‌های بانک‌های استعمارگر، مخالفت‌های حکام و عدم حمایت دولتمردان مرکزی از شرکت‌های تجاری ایرانی در فارس، موجب بروز مشکلاتی در مسیر فعالیت آنها، و در نهایت، ورشکستگی آن شرکت‌ها شد.

کلیدواژگان: تاریخ اقتصادی ایران، حکومت قاجار، ایالت فارس، تجارتخانه‌ها، روابط اقتصادی با غرب.

مقدمه

موقعیت برتر ایران و برخورداری از وضعیت تجاری مناسب، منابع طبیعی و ذخایر عظیم انرژی، در سده‌های اخیر همواره مورد توجه بیگانگان بوده و در برهه‌هایی به دخالت آشکار و نهان آن دولت‌ها در اوضاع داخلی ایران انجامیده است. ایران در منطقه‌ای واقع شده است که نسبت به بسیاری از مناطق دیگر جهان، جنبه مرکزی و حیاتی دارد. در این میان، خلیج فارس از گذشته دور، پیوسته مورد توجه قدرت‌های بزرگ اروپایی، به‌ویژه بریتانیا، قرار داشت. انگلیسی‌ها به منظور حفاظت از راه‌های منتهی به هند، از دیرباز در صدد تسلط بر منطقه مهم و حساس خاورمیانه بودند و در این راه، از هیچ کوششی فروگذار نکردند؛ احداث پایگاه نظامی، نظارت بر رفت و آمد کشتی‌ها در خلیج فارس،

تأسیس کنسولگری و تعیین نمایندگان سیاسی و ایجاد تجارتخانه، بخشی از اقدامات آنان بود.^۱

فارس، از مهم‌ترین مناطق ایران در جنوب به شمار می‌رفت که در دوره قاجار، به لحاظ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، موقعیت ممتازی داشت. این منطقه با توجه به اینکه اداره و کنترل بنادر مهم خلیج فارس، از جمله بندر بوشهر را در اختیار داشت، از ایالت‌های مهم به شمار می‌رفت. حضور تجار فعال در مهم‌ترین بندر فارس، یعنی بوشهر که با بازرگانان شیراز و اصفهان روابط تنگاتنگی داشتند، باعث گسترش شرکت‌ها و تجارتخانه‌ها در شیراز شده بود. تأسیس شرکت‌ها در فارس با هدف تجارت و تولید، می‌تواند یکی از جنبه‌های پایداری ملی در برابر هجمه‌های خصمانه اقتصادی بیگانه تعبیر شود. تأسیس شرکت‌ها در دوره قاجار، به طور عمده از ۱۳۰۰ق/۱۸۸۳م آغاز شد و در دهه بعد، به اوج خود رسید. تجارتخانه جمشیدیان، توسط ارباب جمشید زرتشتی (متوفای ۱۳۱۱) ایجاد شده بود و شعبه‌ای از این تجارتخانه در بوشهر، در زمینه صرافی و همچنین تجارت با اروپاییان فعالیت داشت.^۲ کمپانی تجارتهای ایران، کمپانی تجار بوشهر^۳ و کمپانی تجارت فارس یا کمپانی مملکت فارس که با مدیریت عبدالرحیم شیرازی تأسیس شده بود،^۴ شرکت‌هایی بودند که در فارس تشکیل شدند.^۵ فعالیت این شرکت‌ها در زمینه تجارت داخلی، تجارت با اروپا و صرافی بود. بدین ترتیب، شماری از مهم‌ترین شرکت‌های تجاری در فارس تأسیس شد و در هم‌اوردی با شرکت‌های خارجی قرار گرفت که سابقه دیرینه‌ای در امر تجارت داشتند و این نکته، بر چالش‌های آنها می‌افزود. از جمله چالش‌های داخلی

۱. جزء محمدپور، «حضور بریتانیا در خلیج فارس»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ش ۳۷، ص ۱.

۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۳۱ق، کارتن ۵۲، پوشه ۴، سند ۱۰۹.

۳. همان.

۴. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ش ۸۴۳۸-۲۹۳، سند ۳.

۵. روزنامه جبل‌المتین، ۱۳۱۵ق، ش ۱۱، ص ۱۲۹.

که تجار ایرانی با آن مواجه بودند، مخالفت حکام و دولتمردان مرکزی، عدم حمایت از شرکت‌های تجاری و ناامنی راه‌ها بود. کارشکنی دولت‌های استعمارگر روس و انگلیس و رقابت گسترده بانک شاهنشاهی با تجار و شرکت‌های ایرانی، از جمله چالش‌های خارجی بود که در نهایت، ضربه بسیاری به تجار و شرکت‌های ایرانی وارد کرد.

پیشینه پژوهش

از جمله منابعی که از شرکت‌های تجاری ایران نام برده‌اند، می‌توان به کتاب *گنج شایگان* از محمدعلی جمالزاده (متوفای ۱۳۷۶) اشاره کرد که به معرفی کمپانی فارس و سال تأسیس این کمپانی اشاراتی داشته است. چارلز عیسوی در کتاب *تاریخ اقتصادی ایران* به اهمیت خلیج فارس و موقعیت تجاری بوشهر و میزان صادرات و واردات این بندر تجاری اشاره داشته است. مرتضی دهقان‌نژاد و ظریفه کاظمی نیز در پژوهشی با عنوان «تجارت بوشهر و راه‌های تجاری آن»، به مباحثی از جمله اهمیت بندر بوشهر در دوره قاجار و معرفی این بندر به عنوان مهم‌ترین دروازه ایران برای واردات و صادرات کالا اشاره کرده‌اند. حبیب‌الله سعیدی‌نیا در پژوهشی با عنوان «تجارت تریاک در بنادر شمالی خلیج فارس»، اهمیت تجاری ایالت فارس و موقعیت راهبردی این ایالت را مورد بررسی قرار داده است. بدین ترتیب، می‌توان گفت که با وجود پژوهش‌هایی در باره حضور شرکت‌های تجاری در ایران، اکثر این پژوهش‌ها از واکاوی اهداف و انگیزه و نوع فعالیت شرکت‌های تجاری در ایالت فارس و نوع چالش‌هایی که با آن روبه‌رو بوده‌اند، غافل مانده‌اند و پژوهش حاضر نیز در صدد پرداختن به این مسئله است.

موقعیت تجاری فارس در دوره قاجار

نواحی فارس، به مثابه پل ورودی کالاهای وارداتی و صادراتی از راه دریا به مراکز ایران بوده است؛ تحولات اقتصادی ایران، پس از روی کار آمدن شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ ق) و تغییر کانال‌های تجاری به طرف جنوب ایران، این مناطق جنوبی را به

یک حوزه مهم و راهبردی مبدل ساخت. شیراز، در میانه راه ایالات و ولایات جنوب غرب ایران بر کناره خلیج فارس و مرکز مهم ورود و خروج کاروان‌هایی بود که از جنوب ایران عازم شمال بودند.^۱ راه‌هایی که جنوب ایران را با خارج مربوط می‌داشت، تماماً بحری بود و همواره کشتی‌های انگلیسی و آلمانی و روسی با بنادر جنوبی ایران از راه دریای عمان و خلیج فارس رفت‌وآمد داشتند. مهم‌ترین راه‌های تجاری ایالت فارس عبارت بودند از:

۱. بوشهر - فیروزآباد - شیراز؛

۲. شیراز - بیضا - اوجان - اقلید؛

۳. لار - چهارم - شیراز.^۲

بعد از تنزل موقعیت تجاری شهرهای شمالی چون تبریز و توقف حمل‌ونقل از طریق روسیه و همچنین در پی گشایش کانال سوئز، بنادر و ایالات جنوبی ایران از اهمیت فراوانی در معادلات سیاسی و اقتصادی ایران برخوردار شد.^۳ طبیعی بود که تسلط فارس بر بنادر، گمرکات و راه‌های ارتباطی جنوب به شمال، بر این اهمیت می‌افزود. در این میان، با حضور قدرت‌های تجاری اروپایی، به ویژه انگلیس، این بخش از کشور کانون توجه و درگیر رقابت‌های استعماری شد. بنادر بوشهر، لنگه و عباسی، از جمله بنادر مهمی بودند که حلقه اتصال تجارت خارجی با شهرهای فارس، از جمله: لارستان، کازرون و شیراز گردیدند. بخش عمده‌ای از اهالی این بنادر و شهرهای جنوبی، به تجارت مشغول بودند و به قول حسینی فسایی: «اهالی بوشهر، بیشتر تجارت‌پیشه هستند.»^۴ همچنین، تجار منطقه بوشهر به منظور رویارویی با گسترش نفوذ و فعالیت اقتصادی و صنعتی استعمارگران روس و انگلیس، در سال ۱۳۰۲ ق گرد هم آمدند و شرکتی به نام «کمپانی

۱. توپوکیچی، سفرنامه په ناگا توپوکیچی در ایران و آناتولی، ص ۸۲.

۲. جمالزاده، گنج شایگان، ص ۵۴.

۳. کرزن، ایران و مسئله ایران، ج ۲، ص ۶۸۲؛ مرتضی نورائی، اسناد کارگزاری بوشهر، ص ۷.

۴. حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، ص ۳۰۵.

تجارتی ایران» تشکیل دادند. ظاهراً این شرکت در زمینه صرافی فعالیت داشت.^۱ مدیریت این کمپانی، با آقا محمدخان شفیح (متوفای ۱۳۳۹ق) بود و سرمایه‌ای معادل یک میلیون روپیه یا ۳۵۰ هزار تومان داشت.

تأسیس واحد اداری موسوم به حکمرانی بنادر و جزایر خلیج فارس (۱۲۹۹ق/۱۸۸۲م) که مقر آن در بندر بوشهر قرار داشت، در تثبیت جایگاه این بندر بسیار مؤثر بود. بنابراین، انگلیسی‌ها در دوره قاجار تلاش می‌کردند که رقیبان خود، از جمله روسیه را از میدان رقابت خارج کنند و امتیازهای گوناگونی را در زمینه تجارت و دیگر زمینه‌ها از شاهان قاجار اخذ کنند. گراهام،^۲ کنسول بریتانیا در فارس، برای کنار زدن کالاهای روسی، به بازرگانان شیرازی پیشنهاد داد که می‌توانند به یک مجتهد مراجعه کنند و از او بخواهند تا چیت‌های روسی را به دلیل روش رنگ‌آمیزی نجس، تحریم کنند.^۳ به دلیل فشاری که به وسیله قدرت‌های سلطه‌گر، به ویژه بریتانیا، بر دولت‌های مستبد ایران وارد می‌آمد، از زمان فتحعلی شاه (۱۲۱۲-۱۲۵۰ق) به این سو، دولت‌های ایران، سیاست تجارتی دروازه‌های باز را در پیش گرفتند. یکی از پیامدهای اجتناب ناپذیر چنین سیاستی، وابسته‌تر شدن اقتصاد ایران به اقتصاد سرمایه‌داری جهانی بود.^۴ اوژن فلاندن^۵ (متوفای ۱۸۸۹م)، در مورد حضور انگلیسی‌ها در بوشهر ذکر می‌کند:

انگلیسی‌ها بسیاری صنایع دستی و ماشینی خود را به آنجا می‌آوردند؛ به عبارت الأخری، چون از یک طرف، همسایه ایران و از طرف دیگر، کشتی زیاد

۱. روزنامه جبل‌المتین، ۱۳۱۵ق، ص ۳۵۷.

2. Graham.

۳. جارمن، یادداشت‌های سیاسی ایران (۱۲۶۰-۱۳۴۴)، ص ۱۰۸۳.

۴. سیف، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، ص ۱۶۰.

۵. Jean-Baptiste Flandin، نقاش و معمار و خاورشناس فرانسوی.

دارند، تجارت این بندر را ویژه خود ساخته‌اند. بیشتر مال‌التجاره‌ها از این بندر رفت‌وآمد می‌شود؛ مثلاً غله و حبوبات، تنباکوی شیراز، هر سال چند صد اسب که به هندوستان فرستاده می‌شود.^۱

در این شرایط، انگلیسی‌ها در بوشهر شروع به تأسیس چندین شرکت نمودند؛ از جمله شرکت دیوید ساسون^۲ (متوفای ۱۸۶۴م) که از معاملات تریاک ثروت هنگفت به هم رساند^۳ و همچنین، تجارتخانه ملکم در بندرعباس، بوشهر و لنگه، کمپانی دیکسن^۴ در بوشهر و اصفهان، و کمپانی لیوینگستون^۵ که در بوشهر، بندرعباس و بندر لنگه دایر شد.^۶ علاوه بر شرکت‌های انگلیسی، فرانسویان، هندیان و یهودیان هند نیز در ایران فعالیت تجاری داشتند؛ مثلاً شارل مرادحییم و پسران، نمایندگی شرکت‌های یهودیان هند را در بوشهر عهده‌دار بودند.^۷ شرکت مویرتوپییدی^۸ از کمپانی‌های معروف تجاری انگلیسی در ایران بود که در بوشهر فعالیت داشت و بعدها نام آن به شرکت تجاری خلیج فارس تغییر یافت.^۹ بسیاری از تجار شیرازی با تجارتخانه‌های اروپایی مراودات تجاری داشتند؛^{۱۰} به عنوان نمونه، حاج میرزا محمود کازرونی (متوفای بعد از ۱۳۱۶ق)، بزرگ‌ترین بازرگان

۱. فلاندن، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ص ۳۶۸.

۲. David Sassoon، تاجر کتان و تریاک.

۳. کرزن، ایران و مسئله ایران، ج ۲، ص ۵۷۳.

۴. Dixon.

۵. Livingston.

۶. ماساهارو، سفرنامه پوشیدا ماساهارو، ص ۴۲.

۷. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ش ۲۹۳۰۰۵۹۴۶.

۸. Messrs Muir Tweedy And Co.

۹. رایت، انگلیسیان در ایران، ص ۱۰۱.

۱۰. Picot, H. Biographical Notices of Members of the Royal Family, P.72.

شیراز، عامل شرکت دیوید ساسون در ایالت فارس و جنوب بود.^۱ همچنین، حاجی محمدحسین تاجر کازرونی (متوفای ۱۳۵۱ق) با کمپانی ساسون معاملات تجاری داشت.^۲ از جمله اقلامی که حاج محمدحسین از این کمپانی خریداری می‌کرد، قند بود که به دلیل بدهی حاجی محمدحسین، مقداری از صندوق‌های قند از طرف کمپانی توقیف شده بود.^۳

در سال ۱۳۰۵ق/۱۸۸۸م، شعب بانک جدید شرقی انگلیس، به عنوان یک شرکت بازرگانی و صرافی در: تهران، مشهد، بوشهر، رشت و شیراز افتتاح شد.^۴ سپس، جولیوس رویتر^۵ (متوفای ۱۸۹۹م)، در سال ۱۳۰۶ق/۱۸۸۹م موفق به گرفتن امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی ایران شد.^۶ این بانک، در سپتامبر ۱۳۰۶ق/۱۸۸۹م در تهران افتتاح شد و سال بعد، شرکت محدود بانکداری جدید شرق و لندن به اختیار بانک شاهنشاهی درآمد و بانک شاهنشاهی در شهرهای مهم ایران، از جمله بوشهر، شروع به تأسیس شعب نمود.^۷ این بانک، در رجب ۱۳۰۷ق/۱۸۹۰م با دستخطی که از ناصرالدین شاه گرفت، توانست اسکناس کمتر از ده تومانی نشر دهد. در این سال، اسکناس‌های جدیدی با تصویر شیر و خورشید با سرلوحه فارسی و تصویر ناصرالدین شاه در یک طرف، و سرلوحه انگلیسی در طرف دیگر، انتشار یافت.^۸ برای جلوگیری از ارائه اسکناس به مقدار زیاد و ورشکستگی

۱. اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه، ص ۵۵.

۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۲۶ق، کارتن ۶۱، پرونده ۱۹، سند ۵.

۳. همان.

۴. نصیری، تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران، ص ۳۱.

۵. Julius Reuter، روزنامه‌نگار و مؤسس آژانس خبری رویترز.

۶. دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ج ۱، ص ۱۰۹.

۷. رایت، انگلیسیان در ایران، ص ۱۰۳.

۸. دالمانی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ج ۱، ص ۱۰۹.

زودرس، اسکناس‌ها فقط در شهرهای معینی، از جمله بوشهر که از سوی شعبه همان محل نشر یافته بود، قابل معاوضه بودند.^۱ یکی از امتیازات انحصاری بانک شاهنشاهی ایران، به عنوان یک بانک دولتی، انتشار اسکناس‌هایی بود که قابل پرداخت به دارنده آن باشد. صراف‌ها و دیگران، گهگاه اسکناس‌های مشابهی عرضه می‌کردند که با شکایت سفارت بریتانیا استفاده از آنها ممنوع شده بود.^۲ بدین ترتیب، در شرایط جدید تجاری و اقتصادی که آب‌های آزاد جنوب ایران مسیر اصلی تردد کالاهای تجاری شد، فارس به عنوان دروازه ورود و خروج از مسیر آب‌های آزاد، اهمیت فراوانی یافت و پایگاه و بارانداز تجاری کشور - از طریق بوشهر - در دوره قاجار قلمداد شد.

شرکت‌های تجاری در ایالت فارس

تجار، از اثرگذارترین اقشار در جامعه عصر قاجاری بودند؛ اما از آغاز دوره قاجار تا عصر ناصرالدین شاه، تجار ایرانی تشکیلات گسترده و قدرتمندی نداشتند. برای اولین بار در زمان ناصرالدین شاه بود که تجار ایرانی صاحب تشکیلات تقریباً منظمی در ابعاد تجاری - سیاسی و قضایی به تقلید از اروپاییان شدند. نخستین اقدام ناصرالدین شاه در جهت انتظام بخشیدن به امور تجاری ایران، تأسیس وزارت تجارت و فلاح در سال ۱۲۷۶ق/ ۱۸۶۰م بود.^۳ البته تجار هر شهر جهت سهولت انجام فعالیت‌های خود، در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، دست به ایجاد تشکل‌هایی می‌زدند؛ به عنوان نمونه، تجار شیراز، بانک تجار داخله را در اواخر دوره ناصرالدین شاه ایجاد کردند.^۴

۱. افشارسیستانی، نگاهی به بوشهر، ج ۲، ص ۸۷۵.

۲. جارمن، یادداشت‌های سیاسی ایران (۱۲۶۰-۱۳۴۴)، ص ۳۲۲.

۳. مستوفی، تاریخ اجتماعی ایران دوره قاجاریه، ج ۱، ص ۸۸.

۴. سعیدی سیرجانی، وقایع اتفاقیه؛ مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیسی در ولایات جنوبی ایران،

در کنار جنبه اقتصادی، حضور مثبت تجار و تجارتخانه‌ها در تحولات اجتماعی نیز می‌تواند یکی از دلایل رونق تجارت و شکل‌گیری تجارتخانه‌ها در فارس باشد؛ زیرا تجار فارس، در مسئله سواد و آموزش در این خطه، نقش مهمی داشتند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کمک تجار کازرونی به مدرسه سعادت بوشهر اشاره کرد.^۱ فارغ التحصیلان این مدرسه نیز در تجارتخانه به کار گرفته می‌شدند که برای نمونه، می‌توان به کمپانی فارس اشاره کرد که تعدادی از فارغ التحصیلان را با گرفتن امتحان استخدام می‌کرد.^۲

از طرفی، تأسیس شرکت‌های مختلف ایرانی برای تولید و تجارت، یکی از نمودهای پایداری ملی در برابر نفوذ اقتصادی بیگانه بود. صنایع‌الدوله (متوفای ۱۳۲۹ق)، در رساله *خان خانان*، به مواردی از جمله ایجاد کمپانی توسط ایرانیان و توجه به تولیدات داخلی اشاره کرده است.^۳

از دیگر دلایل مهم برای تأسیس تجارتخانه، استفاده از تجارب غرب، به‌ویژه در امور پولی و بانکی بود. برای ایرانیانی که در سده نوزدهم میلادی از کشور خارج می‌شدند و به سرزمین‌های بیگانه، به‌ویژه اروپا، سفر می‌کردند، اوراق رنگینی که انگلیسی‌ها آن را نوت بانک و فرانسوی‌ها و روس‌ها آن را اسکناس می‌خواندند، پدیده‌ای عجیب و نپذیرفتنی بود؛ زیرا برای آنان عجیب بود که یک ورق کاغذِ چاپی رنگین، به ارزش یک سکه طلا یا چندین سکه نقره را داشته باشد؛ اما اسکناس جای خود را باز کرد و در سراسر فرنگستان، جای سکه‌های سنگین طلا و نقره را گرفت و به جای یک گونی سکه سیاه مسین که دولت ایران ضرب می‌کرد، کافی بود چند اسکناس عرضه شود. پس از تأسیس بانک شاهنشاهی انگلیس در ایران (۱۳۰۶ق/۱۸۸۹م) و اجازه نشر اسکناس توسط این

۱. حسینی کازرونی، محمدرضا تاجر کازرونی و خدمات او به بندر بوشهر و نهضت جنوب، ص ۲۷.

۲. روزنامه جبل‌المتین، ۱۳۱۸ق، ش ۱۸، ص ۲۰.

۳. صنایع‌الدوله، رساله خان خانان؛ رسائل سیاسی عصر قاجار، ص ۱۰۰.

بانک، دولت روسیه تزاری که رقیب انگلستان در ایران بود و کلیه اقدامات آن دولت را زیر نظر داشت، تصمیم به تأسیس یک مؤسسه بانکی (۱۳۰۸ق/۱۸۹۰م) در ایران گرفت تا بتواند در امور اقتصادی ایران مداخله کند.^۱

به‌زودی نارضایتی عمیق ملت ایران از فعالیت‌های دو بانک شاهنشاهی انگلیس و روس در عرصه اقتصاد کشور، به واکنش‌هایی منتهی شد. در برخی مواقع، اقدامات بانک شاهنشاهی در جنوب ایران، دادِ تجار ایرانی را که تا پیش از تأسیس این بانک به کار صرافی مشغول بودند، درآورده بود؛ به عنوان نمونه، از جمله اقدامات این بانک در بدو تأسیس در بندر بوشهر، این بود که همه قران‌های کهنه‌ای که در میان تجار و کسبه موجود بود، جمع‌آوری می‌کرد و هر چهار قران را به قیمت یک روپیه می‌خرید و دستور داده بود تا معامله و تجارت با پول دولتی ایران متوقف شود.^۲

مهم‌ترین شرکت‌های تجاری ایالت فارس در دوره قاجار، به شرح زیر است:

۱. تجارتخانه جمشیدیان

این تجارتخانه، مؤسسه صرافی و بانکی کوچکی بود که در سال ۱۳۰۴ق/۱۸۸۷م تقریباً مقارن با راه‌اندازی بانک شرقی، توسط ارباب جمشید زرتشتی دایر گردید. ارباب جمشید، از پیشه‌وران بود که به بزازی و قدک‌فروشی مشغول بود و سپس، دکانی برای عرضه منسوجات پارچه‌ای راه‌اندازی کرد. پس از مدتی که از نظر مالی در وضعیت مساعدی قرار گرفت و مردم او را تاجر درستکار شناختند، از حدود سال ۱۳۰۳ق/۱۸۸۶م وارد عرصه صرافی شد و به‌تدریج به عنوان معتبرترین تاجر ایران شناخته شد. کسانی که حوالات او را نقد می‌کردند، در گوشه و کنار ایران فراوان بودند و حتی اتباع کشورهای خارجی نیز با اطمینان خاطر به او رجوع می‌کردند.^۳ اعتبار و صداقت صرافی و تجارتخانه

۱. همان، ص ۳۲۸.

۲. معتضد، حاج امین‌الضرب؛ تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران، ج ۱، ص ۳۵۸.

۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ش ۲۳۸۶-۰۲۹۶، ص ۱.

جمشیدیان، بدان حد بود که تجار، مبالغ کلانی به نماینده آن تجارتخانه در شهرهای مختلف تقدیم می‌کردند و چند هفته بعد، آن وجه در تهران به تجارتخانه می‌رسید.^۱ افزون بر امور صرافی و برات، به‌زودی تجارتخانه وارد امور تجاری و حمل‌ونقل کالا شد؛ چنان‌که در آغاز، اجناسی مانند قماش و غیره، از تجارتخانه جمشیدیان در بندرعباس به زرتشیان یزد ارسال می‌شد.^۲ تجارتخانه جمشیدیان، همچنین به عنوان واسطه شرکت‌های اروپایی در بندرعباس فعالیت داشت. پس از رونق کار ارباب جمشید، وی به تشویق بانک شاهنشاهی و بانک استقراضی روس، مبالغ هنگفتی از آنها تحصیل اعتبار کرد؛ اما ناگهان دو بانک مزبور، از تمدید مدت وام خودداری کردند و اعتبار او را زیر سؤال بردند. سپس، هر دو بانک خواهان تسویه محاسبات شدند. تجارتخانه جمشیدیان پس از تسویه محاسبات، از آنجا که نتوانست وجوهی را که به مردم وام داده بود، بازپس بگیرد، ورشکست شد. بنابراین، این مؤسسه ایرانی در مصاف با دو بانک قوی خارجی، به زانو درآمد.^۳

۲. کمپانی تجار بوشهر

کمپانی دیگری که در بوشهر تأسیس شد، کمپانی تجار بوشهر بود که توسط حاجی محمد مهدی ملک‌التجار بوشهری (متوفای ۱۳۰۷ق) تأسیس شد و در زمینه تجارت داخلی و تجارت به اروپا فعالیت داشت. این کمپانی، ده هزار سهام، از قرار هر سهم یکصد روپیه سکه، کلاً مبلغ ده لک روپیه سکه انتشار داد. حاجی آقا میرزا مهدی ملک‌التجار، با مبلغ ۲۵ هزار تومان اصلی‌ترین سرمایه‌گذار بود و حاجی آقا علی‌اکبر تاجر کازرونی (متوفای بعد از ۱۳۱۴ق)، با مبلغ ۱۵ هزار تومان، حاجی آقا سید صادق بوشهری (متوفای بعد از ۱۳۲۶ق)، با مبلغ ۱۰ هزار تومان و آقا محمد شفیع تاجر کازرونی (متوفای ۱۳۲۹ق)، پسر

۱. معتضد، حاج امین‌الضرب؛ تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران، ص ۳۵۸.

۲. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ش ۲۵۱۰۸-۲۹۶، ص ۳.

۳. سازمان اسناد ملی، ۱۳۳۱ق، ش ۲۴۰۰۱۰۸۹۹.

حاجی علی اکبر تاجر، با ۱۵ هزار تومان سهم، در مجموع ۶۵ هزار تومان از سهام کمپانی تجارت بوشهر را فراهم کرده بودند. قرار بود ۴۵ هزار تومان باقیمانده از سرمایه اولیه شرکت، از طریق فروش سهام^۱ تأمین شود. قیمت پایه هر سهم، ۲۵ تومان بود.^۲

محمد مهدی ملکالتجار، به واسطه اعتبارش، نماینده چندین شرکت خارجی در ایران بود؛ از جمله، کمپانی زیگلر^۳ (۱۲۷۰ق) و گری پال (۱۲۸۳ق).^۴ ملکالتجار به واسطه مکتبی که داشت، بارها ضمانت مالیاتی بوشهر و دیگر بنادر را بر عهده گرفته بود؛ به نحوی که اگر وی از این کار خودداری می کرد، حکام نیز از رفتن به بوشهر و بنادر و به عهده گرفتن مسئولیت آنجا خودداری می کردند. ملکالتجار، بارها حکامی را که با او همراه نبودند، عوض کرد یا مانع از آمدن آنان به حکومت بوشهر شد^۵ و این موضوع، به واسطه قدرت اقتصادی و اعتبار تجاری وی بود که مورد وثوق مردم بوشهر قرار گرفته بود. کمپانی بوشهر، در زمینه خرید اسلحه و ارسال آن به تهران، برات‌هایی را صادر کرده بود.^۶

بر اساس آنچه آمد و در نگاهی کلی، مشخص است که عمده فعالیت این شرکت نیز امور صرافی بود و شرکت‌های داخلی ایرانی، قادر نبودند به شکل کامل فعالیت‌های اقتصادی و تجاری را در سطح بین‌المللی ایجاد کنند. از این رو، گزارشاتی از جمع‌آوری بیجک‌های^۷ کمپانی تجارتي بوشهر در سال ۱۳۱۵ق وجود دارد؛ «روز دویم ماه، حکومت جارچی در شهر فرستادند؛ بیجک کمپانی تجارت بوشهر، از این تاریخ به بعد، نارواج و از

1. Share.

۲. ترکمان، اسنادی درباره هجوم انگلیس و روسیه به ایران، ص ۴۱.

۳. Ziegler، شرکتی انگلیسی بود که مالک آن، فیلیپ زیگلر نام داشت.

۴. Gray Paul and Co، شرکتی انگلیسی بود که در فارس فعالیت داشت.

۵. دشتی، تاریخ اقتصادی - اجتماعی بوشهر در دوره قاجاریه با تکیه بر نقش تجار و تجارت، ص ۱۷۲.

۶. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۱۷ق، کارتن ۱۳، پوشه ۱۹، سند ۱۴۸.

۷. حواله یا قبض، رسیدی غالباً کاغذی و به قطع کوچک.

درجه اعتبار ساقط است و هرکس بیجک کمپانی داشته باشد، تا مدت سه روز باید وجه بیجک را از کمپانی دریافت دارد. بعد از سه روز، اگر بیجک ابراز دهد، حق مطالبه وجه نخواهد داشت.^۱

کمپانی بوشهر به دلیل مشکلات و چالش‌هایی، از جمله اختلافات حاکم شهر و تاجران بوشهر، با مشکل روبه‌رو گشت. همچنین، بانک شاهنشاهی در باره فعالیت صرافی کمپانی بوشهر، از دولت شکایت داشت و به گفته روزنامه *حبل‌المتین* شرارت‌های بانک شاهنشاهی و بدسلوکی ملک‌التجار، باعث نقصان کار کمپانی شد و در نهایت، کمپانی منحل شد.^۲

۳. تجارتخانه محمدرضا کازرونی

از دیگر تجار بوشهر، محمدرضا کازرونی (متوفای ۱۳۰۷ش) بود. سید محمد کازرونی، در ۱۶ سالگی راهی بندر بوشهر گردید و به امر تجارت اشتغال ورزید. وی مدت ۴۷ سال با تجارت، صادرات، واردات و مبادلات کالا در داخل و خارج از کشور، از شهرت بین‌المللی برخوردار شد. در آن زمان، در ساحل شرقی بندر بوشهر، تجارتخانه و تیمچه‌های (سراهای بازرگانی) متعددی وجود داشت که بازرگانان ایرانی - از شیراز، کازرون، بهبهان، اصفهان، فسا و رشت - از هر سوی به این بندر که در آن روزگار، دروازه تجارت ایران نامیده می‌شد، روی می‌آوردند و به امور بازرگانی و صادرات و واردات با شبه‌قاره هند و زنگبار و از آن طریق با کشورهای آسیایی، آفریقایی، اروپایی می‌پرداختند.^۳ قسمتی از واردات تجارتخانه کازرونی، از اروپا، نفت و شمع بود که برای تأمین روشنایی شهرها، این دو کالا وارد این بندر می‌گردید.^۴

۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۱۹ق، کارتن ۲۱، پوشه ۲۶، سند ۱۳.

۲. روزنامه *حبل‌المتین*، ۱۳۱۶ق، ش ۲۵، ص ۲۹۸.

۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ش ۲۱۰۹۸-۲۹۶، ص ۱.

۴. حسینی کازرونی، محمدرضا تاجر کازرونی و خدمات او به بندر بوشهر و نهضت جنوب، ص ۴۳.

سید محمد کازرونی پس از کسب اعتبار و موفقیت در امر تجارت، اقدام به خرید قطعه زمینی در ساحل شمال شرقی بندر بوشهر برای ایجاد ساختمان بزرگی نمود. بنای این تجارتخانه بزرگ که به تجارتخانه حاج سید محمدرضا کازرونی و پسران^۱ مشهور شد و یکی از ساختمان‌های تجاری بزرگ جنوب محسوب می‌گردید که بر لنگرگاه بندر بوشهر کاملاً اشرف داشت. سازمان اداری این مرکز شخصی، در طبقات فوقانی قرار داشت. در چارت سازمانی این تشکیلات، حدود ۱۰۰ کارمند، مترجم و کارگر دائمی مشغول کار بودند. برخی از آنان نظیر میرزا بابا - از کارمندان و منشیان تجارتخانه کازرونی بود که به زبان انگلیسی تسلط داشت و مکاتبات خارجی این تجارتخانه را انجام می‌داد - تحصیلات تکمیلی خود را در خارج از کشور گذرانده و از حقوق ماهیانه بسیار خوبی برخوردار بود. کالاهای صادراتی این تجارتخانه، شامل: کتیرا، گردو، پسته، خرما، بادام کوهی، پسته کوهی، آنقزه،^۲ صمغ درختی و برخی از اقلام بوده که لازم می‌آمد این کالاها، پاک و تمیز درجه‌بندی گردد تا مرغوبیت جهانی پیدا کند. با این عمل، عده بسیاری از زنان و مردان را به کار مشغول می‌داشت و از سوی دیگر، محصولات صادراتی کشور را با کیفیت عالی صادر می‌کرد. بخشی از تجارت مرکز بازرگانی کازرونی، با کشور چین بود که به صورت پایاپای انجام می‌گرفت و واردات این تجارتخانه از آن کشور، چای، قند، شکر، پارچه، روغن، برنج، ادویه، ظروف چینی، صنایع مستظرفه و کارهای دستی نفیس بود و در برابر آن، کتیرا، صمغ‌های نباتی، پسته، گردو، بادام و دیگر اقلام نباتی صادر می‌گردید.^۳ تجارتخانه محمدرضا کازرونی، اقلامی مانند: تریاک، چای و فلفل را نیز به انگلیس صادر می‌کرد.^۴

۱. این ساختمان، با وضع قدیم خود، در محدوده اداره کل بندر و کشتیرانی بوشهر قرار گرفته است.

۲. صمغی است که از گیاه انگدان گیرند و به آن صمغ، انجدان نیز گویند.

۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ش ۲۱۰۹۸-۲۹۶، ص ۳.

۴. همان، ص ۴.

تجارتخانه کازرونی مرکز رفت‌وآمد روحانیون و مجاهدانی چون رئیس‌علی دلواری (متوفای ۱۳۳۳ق) بود و غالب هزینه‌های جنگی، به‌ویژه تهیه و خرید اسلحه، توسط مشارالیه پرداخت و انجام می‌گرفته است. کمک‌های اعطایی کازرونی، اعم از خرید اسلحه یا وجوه معتابه نقدی و جنسی به مبارزان نهضت جنوب و سران دلیران تنگستان، در تاریخ جنوب و مبارزه علیه دولت بریتانیا، زبازد عام و خاص بود. محمدرضا کازرونی برای زدودن استعمارگران از صحنه جنوب، اقدام به خرید و ورود تفنگ و فشنگ از کشور عمان و مسقط می‌نمود. کشتی‌های بادی حامل اسلحه، متعلق به وی در نقاطی از سواحل بوشهر جهت تخلیه پهلو می‌گرفتند و سلاح‌ها را به سران تنگستانی و دیگر مبارزان جنوب تحویل می‌دادند و از بندر دور می‌شدند.^۱

سران کنسولگری انگلیس مستقر در بوشهر که توسط عمال و جاسوسان خود از ورود و توزیع اسلحه توسط سید محمدرضا کازرونی در میان مبارزان جنوب علیه تهاجم دولت انگلیس پی برده بودند، عرصه را بر خود تنگ دیدند و به فکر چاره افتادند.^۲ از جمله چالش‌ها و مشکلاتی که تجارتخانه کازرونی با آن مواجه شد، دخالت و دشمنی ناهنجار انگلیسی‌ها بود. انگلیسی‌ها برای مقابله با تجارتخانه کازرونی، مبادرت به سرقت مال‌التجاره محمدرضا کازرونی کردند.

۴. کمپانی تجارت فارس

علاوه بر تجار بوشهر، تجار شیرازی نیز در تأسیس کمپانی‌ها و تجارتخانه‌ها فعالیت داشتند. تجار شیرازی، بیشتر کالاهای خود را از شرکت‌های خارجی مستقر در شیراز می‌خریدند و فقط تجار عمده، با بمبئی ارتباط مستقیم داشتند و هرگونه تماس مستقیم با اروپا، به‌سختی صورت می‌گرفت.^۳ کمپانی تجارت فارس یا کمپانی مملکت فارس، با

۱. رکن‌زاده آدمیت، دلیران تنگستان، ص ۸۲.

۲. حسینی کازرونی، محمدرضا تاجر کازرونی و خدمات او به بندر بوشهر و نهضت جنوب، ص ۷۹.

۳. جارمن، یادداشت‌های سیاسی ایران (۱۲۶۰-۱۳۴۴)، ص ۴۷۳.

مدیریت حاج عبدالرحمن شیرازی (متوفای ۱۳۳۳ق به بعد) و با مشارکت چند تن از تجار شیراز، به منظور انجام عملیات صرافی و تجارت خارجی تأسیس شد و چنان به امانت رفتار نمود که چک‌های آن در شیراز، مانند اسکناس بانک شاهنشاهی رواج داشت و هر روز سهام آن رو به ترقی می‌رفت.^۱ شرکت در سال، دو بار سود سهام را پرداخت می‌کرد و صورت سرمایه و سود خود را به صورت سالانه منتشر می‌ساخت. به گزارش روزنامه *حبل‌المتین*، کمپانی مملکت فارس در سال ۱۳۰۹ق/۱۸۹۲م و به سرمایه دو کرویران (یکصد هزار تومان) و به صورت ۴ هزار سهام شیر ۲۵۰ قرانی تأسیس شد و تلاش می‌کردند که از معامله با بانک شاهنشاهی بی‌نیاز باشند.^۲ کار کمپانی طوری منظم بود که تجارتخانه‌های خارجه از لندن و پاریس و وین و غیره، با آنها مراوده تجارتي داشتند. در آغاز، دو هزار سهام برای فروش عرضه شد و در طی دو سال، به فروش رسید. سپس، دو هزار سهم دیگر منتشر شد و به فروش رسید.^۳ فعالیت اصلی شرکت، صرافی بود؛ ولی در زمینه خرید و فروش بروات، ترویج معاملات استقراضی و نقادی و مبادله مسکوکات نیز فعالیت می‌کرد.^۴ از دیگر فعالیت‌های کمپانی فارس، خرید اسلحه بوده که حواله‌هایی به نام این کمپانی صادر شده بود.^۵ حاج عبدالرحیم شیرازی، مدیر کمپانی تجارت فارس، با کمپانی‌های خارجی نیز روابط تجاری داشت؛ از جمله، نمایندگی شرکت انگلیسی مویبرو تویدی^۶ را داشت.^۷ در واقع، آنچه باعث می‌شد تجار ایرانی با کمپانی‌های خارجی در

۱. جمالزاده، گنج شایگان، ص ۹۸؛ رکن‌زاده آدمیت، فارس و جنگ بین‌الملل، ج ۱، ص ۴۸۲.

۲. روزنامه *حبل‌المتین*، ۱۳۱۴ق، ش ۳۲، ص ۵.

۳. همان.

۴. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ش ۸۴۳۹-۲۹۳، ص ۸۶.

۵. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۱۷ق، کارتن ۱۳، پوشه ۱۹، سند ۱۲۷.

6. Muir Tweedy.

۷. ر. وادالا، خلیج فارس در عصر استعمار، ص ۹۲.

ارتباط باشند و ملزومات خود را از کمپانی‌های خارجی بخرند، تفاوت گمرک بود؛ زیرا تجار داخلی اگر خودشان کالایی وارد می‌کردند، یک بار در بندر گمرک می‌دادند، در شیراز هم یک گمرک دیگر و در عرض راه‌ها نیز چند بار راهداری می‌دادند. بنابراین، گمرک تجار داخلی، چند برابر بیشتر از گمرک کمپانی‌های خارجی می‌شد. پس، تجار ایرانی ناچار بودند که با کمپانی‌های خارجی معامله داشته باشند.

کمپانی تجارت فارس، هم‌زمان با فعالیت شعبه بانک شاهنشاهی در فارس، تأسیس شد و در واقع، تجار به دلیل نارضایتی از معامله با بانک شاهنشاهی، تصمیم به تأسیس کمپانی گرفتند.^۱ از این‌رو، بانک شاهنشاهی تلاش می‌کرد بیجک کمپانی را بی‌اعتبار نشان دهد و بنا بر گزارش اسناد: «تجار ایرانی می‌گویند که اصرار بانک در نسخ بیجک‌های کمپانی فارس، از راه حسادت است. می‌خواهند با ایجاد این مشکلات، شاید کمپانی را مضمحل کنند و اسباب فرجی برای خودش شود.»^۲

اوراق کمپانی فارس و اوراق کمپانی تجارتی بوشهر، باب مکاتبات وسیعی را میان بانک شاهنشاهی و سفارت انگلیس از یک سو، و وزارت خارجه ایران و کارگزاری فارس و حکمران آن ایالت از سوی دیگر گشود. کاردار انگلیس در تهران، در ۱۵ ربیع‌الأول ۱۳۱۷ق/۱۹۰۰م در مورد نشر اوراق بانکی در شیراز و بوشهر، به وزیر امور خارجه شکایت برد و دولت از حکومت شیراز در این مورد استعلام کرد. بانک ایراد گرفته بود که سندهای شرکت‌های تجاری جنوب که مشابهتی با بلیت (اسکناس) بانک شاهنشاهی دارد، باید متوقف شود و دولت پذیرفت که این اوراق که برخلاف قانون نشر شده، باید توقف یابد؛^۳ اما دلیل آورد که جلوی سند و بیجک و حواله را که از قدیم در تجارت معمول بوده است،

۱. روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۱۵ق، ش ۳۵، ص ۳۲۳.

۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۱۹ق، کارتن ۲۱، پوشه ۲۶، سند ۱۴.

۳. جارمن، یادداشت‌های سیاسی ایران (۱۲۶۰-۱۳۴۴)، ص ۴۷.

نمی‌توان گرفت. حاکم فارس در مقابل پرسش نماینده بانک شاهی در شیراز، دلیل آورد که بلیت‌های کمپانی تجارتهی فارس، چون در خارج از شیراز رواج ندارد، نمی‌تواند ضرری به بلیت‌های بانک شاهی وارد کند. تجار بوشهر بارها اعلام کردند که آن اوراق، سند بیجک و حواله نقدی هستند و سکه کاغذی نیستند که بانک به نشر آن اعتراض کرده است.^۱ مشیرالدوله (متوفای ۱۳۲۵ق)، وزیر امور خارجه، در تلگرافی که به استاندار فارس نوشته، به جمع‌آوری بیجک‌های کمپانی فارس اشاره کرده و انتشار نوت (اسکناس) را متعلق به بانک شاهنشاهی می‌داند:

در این خصوص، در دربار اعظم، مجالس عدیده تشکیل یافته و مشابیهت این بیجک‌ها را با نوت بانک تصدیق کرده اند. بدیهی است، خاطر مبارک مسبوق است که این امتیاز، فقط منحصر به بانک شاهنشاهی است و احدی حق ندارد شروع به این کار نماید. صحیح است جمع‌آوری این بیجک‌ها، خیلی دشوار است، لیکن اقدام در جمع‌آوری حالیه، سهل‌تر از چهار سال بعد است و هرچه غفلت شود و بیش از این طول بکشد، مفاسد و اشکالات آن یقیناً بیشتر خواهد بود؛ چراکه اینها مثل بانک وجهی در صندوق معادل این نوت‌های منتشره ندارند. بانک اول به اطلاع مأمور مخصوص دولتی یک حمل در صندوق می‌گذارد، بعد معادل آنها بلیط منتشر می‌سازد و اینها نه آن سرمایه را دارند و نه به اجازه دولت شروع به این کار کرده‌اند.^۲

گزارش‌هایی از نارضایتی تجار ایرانی از متوقف شدن بیجک‌های کمپانی فارس، تشکیل جلسات مجلس در مورد قبوض کمپانی فارس و درخواست تجار شیراز برای

۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۱۷ق، کارتن ۲۱، پوشه ۶۵، سند ۱.

۲. همان، ۱۳۱۹ق، کارتن ۲۱، پوشه ۲۶، سند ۱.

برقراری مجدد اعتبار قبوض کمپانی، وجود دارد؛^۱ از جمله می‌توان به تلگرافی که تجار بوشهر و فارس به صدراعظم (مشیرالدوله) ارسال کرده‌اند، اشاره کرد:

در مسئله قبض کمپانی و نوت بانک شاهنشاهی که از طریق فتوت و مرآت و نیک‌نفسی و دولت پرستی و ملت‌خواهی در مجلس که ترکیب آن از تجار محترم داخله و خارجه بوده، تحقیق و رسیدگی شده و آراء بر این قرار گرفته، قبوضات قدیم کمپانی که نشان شیر و خورشید دارد و مبلغ آن چاپی است، چون منافاتی با امتیازنامه بانک است، حق او است؛ ولی قبوضات جدیدی که شیر و خورشید ندارد و مبلغ آن به مرکب نوشته شده، حق کمپانی است.^۲

با توجه به اینکه انتشار اوراق مالی، در انحصار بانک شاهنشاهی بوده و این اوراق، دارای علامت شیر و خورشید بود، بانک شاهنشاهی کمپانی‌های بوشهر و فارس را مجاز به استفاده از علامت شیر و خورشید نمی‌دانست.^۳

با جمع‌آوری بیجک‌های کمپانی فارس، بسیاری از تجار و سهام‌داران این کمپانی، متضرر شدند؛ ولی با اعلام نارضایتی تجار و اختلاف با حکومت فارس در مورد توقیف قبوض کمپانی فارس، درخواست صدور مجوز ادامه کار کمپانی فارس، با ذکر امتیازات و خدمات، به این کمپانی داده شد.^۴

روزنامه *حبل‌المتین* که در کلکته به چاپ می‌رسید و یکی از مسیرهای ورودش به ایران از جنوب کشور بود و عموماً اخبار جنوب کشور را به خوبی نشر می‌داد، در بیداری افکار مردم ایران و اینکه مردم با تشکیل کمپانی‌ها می‌توانند از نفوذ بانک شاهنشاهی در ایران جلوگیری کنند، نقش مهمی داشت؛ چنان‌که می‌آورد:

۱. همان، کارتن ۲۶، پوشه ۲۸، سند ۱.

۲. همان، ۱۳۱۷ق، کارتن ۶، پوشه ۷۹، سند ۱.

۳. همان، کارتن ۲۱، پوشه ۶، سند ۱.

۴. همان، سند ۲.

عن قریب، دیده خواهد شد که ملت ایرانیه از معاملات بانک چه نقصانات ببینند؛ اینکه اینک دو سال است حبل‌المتین فریاد می‌زند و ملت خود را از خرابی‌های معامله بانک مطلع می‌دارد، ولی اهل ایران از خواب بیدار نمی‌شوند. بحمدالله کمپانی تجارت فارس، شاخه‌هایش را در غالب بلاد ایران و خارجه کشیده شده و حُسن سلوک و طرز معاملات و درستکاری و اعتبار وی، بر تمام تجار داخله و خارجه هویدا گردیده، ضرورتی باقی نیست که مال خود را به ملل اجانب سپرده، پریشانی اجانب را بر خود حاکم سازیم. مضار و مفاسد بانک مذکور را کراراً نوشته‌ایم.^۱

در شماره‌ای دیگر از حبل‌المتین، در مورد بدعهدی بانک شاهنشاهی و تشویق مردم برای سرمایه‌گذاری در کمپانی فارس، مطالبی بیان شده است؛ از جمله به بدسلوکی مدیر و کارگزاران بانک اشاره می‌کند که باعث رنجش خاطر تجار فارس شده و تصمیم بر قطع دادوستد با بانک مذکور گرفته بودند تا در آینده، این بانک و شعب آن، نه تنها از شیراز، بلکه از سایر نقاط ایران برچیده شود و نارضایتی از آن، به مقامات ایرانی نیز سرایت کند.^۲ روزنامه حبل‌المتین برآشفته از شرایط موجود، در نقد چگونگی حمایت دولت از کمپانی‌ها و تجار داخلی می‌آورد:

آیا کمپانی فارس و بوشهر، برخلاف رسم تجارت در سراسر دنیا عمل کرده‌اند یا کلاً قواعد تجارت در ایران با دیگر نقاط دنیا متفاوت است؟ اگر کمپانی فارس و بوشهر، متفاوت عمل کرده است، پس ثبوت آن بر بانک است که مدعی می‌باشد و اگر قواعد تجارت در ایران برخلاف دنیا است، کسی حق تأسیس کمپانی و دیگر فعالیت‌های بانکی را ندارد؛ تا تجار از وضع تجارت باخبر باشند، دولت آنچه را

۱. روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۱۳ق، ص ۱۷۸.

۲. همان، ص ۲۴۰.

بخواهد بکند، می‌تواند؛ ضرور نیست که اسم او را اصول دول و قواعد ملل نام گذاریم؛ چه در هیچ دولت و ملت، این قانون نیست که در حمایت اجانب، به این پایه اقدام شود و طلا و نقره یک مملکت وسیع را به دست چهار نفر گرسنه‌های خارجه بسپارند و ارکان تجارت مملکت را متزلزل دارند.^۱

دیدگاه مطرح در حبل‌المتین نشانگر جهت‌گیری ملی بود که در اقبال بزرگی از تجار و فعالان اقتصادی کشور، خود را آشکار می‌ساخت و رویکرد نوی را در قبال رقیبان خارجی معرفی می‌کرد؛ هرچند این رویکرد، مبتنی بر آگاهی عمیق از مناسبات اقتصادی جدید بین‌المللی نبود و ابزارهای لازم برای چنین هم‌وردی را نداشت.

کمپانی فارس، به سرعت پیشرفت کرد و در سال ۱۳۱۲ق/۱۸۹۵م ارزش سهام آن، از ۲۵ تومان به ۲۷ تومان افزایش یافت. یکی از دلایل ایجاد این کمپانی، رقابت با بانک شاهنشاهی بود و رونق این کمپانی، بیش از هر چیز، تهدیدی برای فعالیت‌های بانک شاهنشاهی به شمار می‌آمد. تجارت شرکت، اساساً قماش نخی یا ابریشمی و شکر بود.^۲ رئیس کمپانی، حاجی عبدالرحمن شیرازی، علاوه بر فارس، در بمبئی نیز فعالیت تجاری و صرافی داشت.^۳ شرکت حاجی عبدالرحمن در بمبئی، با شعبه فارس ارتباط داشت. بعد از تعطیلی شعبه بمبئی و به دلیل سرمایه‌گذاری اشخاص مهم در این تجارتخانه، تصمیم گرفته شد که طلب این اشخاص، از تجارتخانه شیراز وصول شود. کمپانی تجارت فارس نیز در پایان هر سال، صورت حساب و وضعیت مالی خود را منتشر می‌کرد؛^۴ برای نمونه، صورت حساب سال ۱۳۱۴ به شرح زیر است:

۱. همان، ۱۳۱۵ق، ص ۳۳.

۲. روزنامه اختر، سال ۱۳۱۲ق، ش ۳۵، ص ۵۱۴.

۳. سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ش ۸۴۳۸-۲۹۳-۹۸، ۵.

۴. همان، ش ۸۴۳۸-۲۹۳-۹۸، ۸۷.

محاسبه جمع و خرج منافع یکساله کمپانی تجارت مملکت فارس، از غره محرم الحرام

لغایت ذیحجه الحرام سنه ۱۳۱۴ هجری:

۱. از بابت اضافه منافع سنه ۱۳۱۳ که به جهت سرمایه طرف احتیاط واگذار شده: ۱۱۵۱۱ تومان و ۴۳۱۳ دینار.
۲. از بابت ۷۴ قطعه شیر که هذه السنه مصرف شده به جهت سرمایه طرف احتیاط اضافه گرفته شده: ۳۳۹ تومان و ۵۰۰ دینار.
۳. از بابت مطالبات سنه ۱۳۱۱ که در محاق بوده وصول شده: ۱۰۰ تومان.

حاصل معاملات داخله و خارجه به قرار دفتر علاحده که ثبت شده

۱. صرف نزول هر جا به عنوان مصالحه دریافت شده: ۲۱۴۷ تومان و ۱۹۲۵ دینار.
۲. تنزیل از حساب و نزول به عنوان مصالحه مقدار تنزیل وجه استقراضی: ۹۱۵ تومان و ۷۴۱۵ دینار.
۳. صرف وجه سیاه که دریافت شده: ۶۰۰ تومان و ۷۰۰ دینار.
۴. حق العمل قبوضات دریافت شده: ۳۴۲۳ تومان و ۹۷۵ دینار.
۵. منافع نزول بمبئی: ۸۰۴۸ تومان و ۱۴۰۰ دینار.
۶. منافع تنخواه اندلی درماک [احتمالاً اسم مکانی است]: ۹۰۲ تومان و ۳۴۰ دینار.
۷. منافع نزول اصفهان: ۱۶۰ تومان و ۹۷۲۲ دینار.
۸. منافع نزول یزد: ۱۱۰۶ تومان و ۴۷۰ دینار.
۹. خرید و فروش تنخواه در شیراز: ۴۰۹ تومان و ۸۷۱۲ دینار.

اخراجات کمپانی

۱. تلگرافات هر جا: ۱۵۷ تومان و ۷۰۲۵ دینار.
۲. کرایه اطاق و انبار و غیره: ۳۲۵ تومان و ۲۶۶۳ دینار.
۳. مواجب اجزاء: ۴۷۰ تومان و ۹۱۰۰ دینار.
۴. صرف نزول هر جا داده شده: ۵ تومان و ۲۱۵۰ دینار.
۵. حق السعی نزول در بوشهر: ۲۰ تومان و ۵۹۰ دینار.
۶. حق العمل نزول از طهران: ۳۶۶ تومان و ۹۵۸۲ دینار.

از جمله پالش‌هایی که کمپانی فارس با آن مواجه بود، مزاحمت‌های بانک شاهنشاهی بود که بارها کوشش کرد تا صدور حواله کمپانی فارس، به دستور حکومت ممنوع شود. بانک شاهنشاهی با استفاده از حق انحصاری نشر اسکناس، مانع ادامه فعالیت کمپانی فارس شده، آن را تعطیل کرد.^۱

۵. شرکت قاسمیّه

شرکت قاسمیّه، با مدیریت حاجی ابوالقاسم اصفهانی تأسیس شد. شعبه‌ای از این شرکت، در شیراز و بوشهر دایر بود. این شرکت، در زمینه خرید و فروش شکر و چای فعالیت داشت.^۲

از جمله دلایل ورشکستگی شرکت قاسمیّه، بدهی حاجی ابوالقاسم اصفهانی به تجار و بانک شاهنشاهی بود و این امر، باعث شد که حجره‌ها و انبارهای شرکت قاسمیّه توسط بانک و تجار، مصادره شوند.^۳

ورشکستگی شرکت قاسمیّه (۳۸-۱۳۳۹ق/۱۹۲۰م)، ضربه مهمی بر حیات اقتصادی بوشهر بود که در نتیجه، بسیاری مؤسسات کوچک تر نیز ورشکست شدند. پولی در بساط نبود و تجارت راکد گردیده بود. بانک شاهی نیز که در پی ضربه زدن به تجارتخانه‌های ایرانی بود، از این مسائل بی نصیب نماند.^۴

از دیگر شرکت‌ها می‌توان به شرکت کشتیرانی ناصری اشاره کرد که به وسیله چند تن از تجار شیراز و بوشهر تأسیس شد. در حدود سال ۱۳۳۰ق/۱۹۱۱م تعداد کشتی‌های آن، به ۱۸ فروند می‌رسید که مهم‌ترین آنها: مظفری، همایون، خسرو، اسلامی، رحمان و حسینی بود که بین بوشهر و جده در رفت و آمد بودند. صاحب کمپانی کشتیرانی،

۱. روزنامه حبل‌المتین، ش ۲۱، ۱۳۱۴ق، ص ۲۴۵.

۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۹ق، کارتن ۲۸، پوشه ۲۵، سند ۲.

۳. همان، کارتن ۲۵، پوشه ۲۸، سند ۳.

۴. جنگ جهانی اول در جنوب ایران؛ گزارش‌های سالانه کنسولگری بریتانیا در بوشهر، ص ۱۳۱.

حاج ابوالقاسم بوشهری، کشتی‌های بسیاری داشت که از جمله آنها، یک کشتی بخار بود که بر تمام کشتی‌های تجاری ایرانی و خارجی مقیم بندر، برتری داشت. همچنین، وی نماینده شرکت کشتیرانی فرانسه و چند شرکت خارجی دیگر در بوشهر بود. ایجاد شرکت‌های کشتیرانی، نقش مهمی در صدور کالا و مصنوعات ایران به کشورهای نزدیک در خلیج فارس و اقیانوس هند داشت. انگلیسی‌ها به این مؤسسات مستقل و تازه تأسیس، به دیده نفرت می‌نگریستند و به بهانه‌های گوناگون سعی در تعطیلی فعالیت آنها داشتند.

نتیجه

دوره قاجار، عصر جدیدی در تاریخ تأسیس شرکت‌های تجاری در ایران بود. در این دوره، رونق تجارت بین‌المللی و تسهیل دادوستد، موجب ازدیاد فعالیت تجاری شد. در این زمان، به دلیل آنکه پدیده سرمایه‌داری به صورت یک نظام غالب بین‌المللی درآمده بود، تجارت جهانی گسترش یافته و رقابت کشورها برای به دست آوردن بازارهای جدید و تهیه مواد اولیه، رشد فراوانی کرد. در نتیجه، قدرت‌های جهانی نیز به ایران توجه بسیاری داشتند و روابط ایران با کشورهای خارجی، به‌خصوص اروپا، گسترش یافت. در نتیجه این مراودات و تأسیس شرکت‌های خارجی و شعبه‌هایی از بانک شاهنشاهی در ایالت فارس، تجار داخلی با نگرانی و انتقاد به سلطه بنگاه‌های اقتصادی خارجی نگریستند. از این رو، تأسیس شرکت‌های مختلف ایرانی، با هدف تجارت و تولید، یکی از جنبه‌های پایداری ملی در برابر یورش اقتصادی بیگانه بود.

تجارتخانه جمشیدیان، کمپانی تجارت فارس، کمپانی تجاری ایران و کمپانی تجارت بوشهر، از جمله مهم‌ترین شرکت‌هایی بودند که با هدف مقابله با سلطه اقتصادی بیگانه و در جهت رشد اقتصادی ایران و به‌خصوص ایالت فارس، در بندر بوشهر و شیراز تأسیس گردیدند و به فعالیت‌های مختلفی همچون: صرافی و نقل و انتقال پول در داخل کشور، تجارت داخلی و خریدوفروش ارز، مبادرت ورزیدند. از چالش‌هایی که شرکت‌های تجاری ایرانی در فارس با آن مواجه بودند، عبارت بودند از: «مداخلات بانک شاهنشاهی که

تلاش می‌کرد صدور حواله شرکت‌های تجاری ایرانی را ممنوع کند»، «عدم حمایت دولت از تجار داخلی (وضع گمرکاتی که تجار داخلی طی آن، چند برابر تجار خارجی پرداخت می‌کردند)» و «رفتار طمع‌ورزانه حکام قاجاری». بانک شاهنشاهی گذشته از نشر اسکناس و تسلط بر بازار، صرافان و شرکت‌های تجاری را به مرحله ورشکستگی کشاند. بنابراین، می‌توان گفت، شرکت‌های داخلی مستقر در فارس، نمونه‌ای از عزم ملی در ورود به اقتصاد نوین ملی و جهانی بود و همچنین، نشانگر موانع داخلی و خارجی که بر سر راه چنین گام اساسی وجود داشت؛ اما نمی‌توان این تجربه جدید را در تاریخ اقتصادی و به‌ویژه تجاری کشور، نادیده گرفت.



منابع

۱. اشرف، احمد، ۱۳۵۹، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه، تهران، زمینه.
۲. افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۶۹، نگاهی به بوشهر، تهران، مؤسسه انتشاراتی و آموزشی نسل دوم.
۳. ترابی فارسانی، سهیلا، ۱۳۸۴، تجار، مشروطیت و دولت مدرن، تهران، تاریخ ایران.
۴. ترکمان، محمد، ۱۳۷۰، اسنادی درباره هجوم انگلیس و روسیه به ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت امور خارجه ایران.
۵. تویوکیچی، یه ناگا، ۱۳۹۲، سفرنامه یه ناگا تویوکیچی در ایران و آناتولی، ترجمه: هاشم رجب‌زاده، تهران، طهوری.
۶. جارمن، رابرت آل، ۱۳۹۶، یادداشت‌های سیاسی ایران (۱۲۶۰-۱۳۴۴)، مترجم: افشار امیری، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۷. جزءمحمدپور، جمشید، ۱۳۸۵، «حضور بریتانیا در خلیج فارس»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، سال ۱۰، شماره ۳۷.
۸. جمالزاده، محمدعلی، ۱۳۶۲، گنج شایگان، تهران، کتاب تهران.
۹. حسینی کازرونی، احمد، ۱۳۸۴، محمدرضا تاجر کازرونی و خدمات او به بندر بوشهر و نهضت جنوب، تهران، کازرونیه.
۱۰. حسینی فسایی، میرزا حسن، ۱۳۶۷، فارسنامه ناصری، تصحیح: منصور رستگار فسائی، تهران، امیرکبیر.
۱۱. دالمانی، هانری، ۱۳۷۸، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه: محمدعلی فره‌وشی، تهران، امیرکبیر.
۱۲. دشتی، رضا، ۱۳۸۰، تاریخ اقتصادی - اجتماعی بوشهر در دوره قاجاریه با تکیه بر نقش تجار و تجارت، تهران، پازینه.
۱۳. دهقان‌نژاد، مرتضی و کاظمی، ظریفه، بهار ۱۳۸۹، «تجارت بوشهر و راه‌های تجارتهی آن در سال‌های ۱۲۹۳-۱۳۲۴ ش/۱۹۱۴-۱۹۱۵م»، گنجینه اسناد، دوره ۲۰، شماره ۱.
۱۴. رایب، دنیس، ۱۳۵۷، انگلیسیان در ایران (در روزگار پادشاهان قاجار)، ترجمه: غلام‌حسین صدری افشار، تهران، دنیا.
۱۵. رحیم‌زاده صفوی، علی‌اصغر، ۱۳۶۸، اسرار سقوط احمدشاه، تهران، فردوسی.
۱۶. رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین، ۱۳۷۰، دلیران تنگستان، تهران، اقبال.
۱۷. —، ۱۳۷۰، فارس و جنگ بین‌الملل، تهران، انتشارات اقبال.

۱۸. روزنامه جبل‌المتین، نمره ۳۵، ۱۳۱۲ق؛ نمره ۱۶، ۱۳۱۳ق؛ نمره ۲۱، ۱۳۱۴ق؛ نمره ۳۲، ۱۳۱۴ق؛ نمره ۱۱، ۱۳۱۵ق؛ نمره ۲۰، ۱۳۱۵ق؛ نمره ۳۵، ۱۳۱۵ق؛ نمره ۳۷، ۱۳۱۵ق؛ نمره ۳۸، ۱۳۱۵ق؛ نمره ۴۴، ۱۳۱۵ق؛ نمره ۲۵، ۱۳۱۶ق؛ نمره ۱۸، سال هشتم، ۱۳۱۸ق.
۱۹. سدیدالسلطنه کبابی، محمدعلی، ۱۳۶۳، بندرعباس و خلیج فارس؛ اعلام الناس فی احوال بندرعباس، تصحیح و مقدمه: احمد اقتداری، تهران، دنیای کتاب.
۲۰. سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر، ۱۳۸۳، وقایع اتفاقیه، مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیسی در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲، تهران، آسیم.
۲۱. سعیدی‌نیا، حبیب‌الله، بهار ۱۳۹۰، «تجارت تریاک در بنادر شمالی خلیج فارس»، تاریخ اسلام و ایران، ش ۹.
۲۲. سیف، احمد، ۱۳۷۳، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران، نشر چشمه.
۲۳. شفیع‌ی سروستانی، مسعود، ۱۳۸۲، فارس در انقلاب مشروطیت، شیراز، بنیاد فارس‌شناسی.
۲۴. صنیع‌الدوله، مرتضی قلی‌خان، ۱۳۸۰، {رساله خان‌خانان} رسائل سیاسی عصر قاجار، تصحیح: غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
۲۵. علی بخش میرزا، ۱۳۸۰، {رساله میزان الملل} رسائل سیاسی عصر قاجار، تصحیح: غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، سازمان اسناد ملی ایران.
۲۶. عیسوی، چارلز، ۱۳۶۲، تاریخ اقتصادی ایران، تهران، گستره.
۲۷. فرصت شیرازی، محمدنصیر، ۱۳۷۷، آثار عجم، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر.
۲۸. فلانندن، اوژن، ۱۳۵۶، سفرنامه اوژن فلانندن به ایران، ترجمه: حسین نورصادقی، تهران، کتابفروشی اشراقی.
۲۹. فلور، ویلم، ۱۳۶۶، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران، توس.
۳۰. —، ۱۳۸۷، ظهور و سقوط بوشهر، ترجمه: حسن زنگنه، تهران، طلوع دانش.
۳۱. کرزن، جرج، ۱۳۷۳، ایران و مسئله ایران، ترجمه: وحید مازندرانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۲. ماساهارو، یوشیدا، ۱۳۷۳، سفرنامه یوشیدا ماساهارو، ترجمه: هاشم رجب‌زاده، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۳. مستوفی، عبدالله، ۱۳۸۴، تاریخ اجتماعی ایران دوره قاجاریه، تهران، زوار.
۳۴. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۷ق، کارتن ۶، پوشه ۷۹، سند ۱.
۳۵. —، کارتن ۱۳، پوشه ۱۹، سند ۱۲۷.
۳۶. —، کارتن ۲۱، پوشه ۶، سند ۲.

۳۷. — پوشه ۶۵، سند ۱.
۳۸. —، سال ۱۳۱۹ق، کارتن ۲۱، پوشه ۲۶، سند ۱، ۱۳ و ۱۴.
۳۹. —، کارتن ۲۶، پوشه ۲۸، سند ۱.
۴۰. —، کارتن ۲۸، پوشه ۲۵، سند ۲۶.
۴۱. —، سند ۳۳.
۴۲. —، سال ۱۳۲۶ق، کارتن ۶۱، پوشه ۱۹، سند ۵.
۴۳. —، کارتن ۶۵، پوشه ۱، سند ۷.
۴۴. —، سال ۱۳۲۹ق، کارتن ۲۵، پوشه ۲۸، سند ۳.
۴۵. —، پوشه ۴۳، سند ۱.
۴۶. —، کارتن ۲۸، پوشه ۲۵، سند ۲، ۲۶ و ۴۹.
۴۷. —، سال ۱۳۳۱ق، کارتن ۵۲، پوشه ۴، سند ۱۰۹.
۴۸. —، سال ۱۳۳۹ق، کارتن ۳۵، پوشه ۱۸، سند ۱.
۴۹. مرکز اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره سند: ۸۴۳۸-۲۹۳، ۸۴۳۹-۲۹۳، ۲۴۰۰۱۰۸۹۹، ۲۳۸۶-۰، ۲۹۶-۲۱۱۰۸، ۲۹۶-۰۲۵۱۰۸ و ۲۹۶-۲۱۰۹۸.
۵۰. مشایخی، عبدالکریم، ۱۳۸۶، خلیج فارس و بوشهر، روابط سیاسی و اقتصادی ایران و اروپا در سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۳۹ق/۱۸۹۰-۱۹۲۰م، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بنیاد ایران‌شناسی شعبه استان بوشهر.
۵۱. معتضد، خسرو، ۱۳۸۸، حاج امین‌الضرب؛ تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران، تهران، البرز.
۵۲. نصیری، محمد، ۱۳۳۸، تاریخ سی‌ساله بانک ملی ایران، تهران، بانک ملی ایران.
۵۳. نورائی، مرتضی، ۱۳۸۵، اسناد کارگزاری بوشهر، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، بنیاد ایران‌شناسی شعبه استان بوشهر.
۵۴. وادالا، ۱۳۵۶، خلیج فارس در عصر استعمار، ترجمه: شفیق جوادی، تهران، سحاب کتاب.
۵۵. بیات، کاوه (مترجم)، ۱۳۷۳، جنگ جهانی اول در جنوب ایران (گزارش‌های سالانه کنسولگری بریتانیا در بوشهر)، بوشهر، کنگره بزرگداشت هشتادمین سالگرد شهادت رئیس‌علی دلواری.
56. Picot, H., 1897, Biographical Notices of Members of the Royal Family, Notables, Merchants.

